مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۵، بهار تابستان ۱٤۰۰، شمارهٔ پیاپی ٢٤

DOI: 10.22067/JLKD.2021.48584.0

رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وِسَنترَه جاتَکَه»؛ بر اساس مؤلفه‌های وابسته به اسم

راضیه موسوی‌خو (دانشجوی دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

زهره زرشناس (استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران) (نویسنده مسئول)

آتوسا رستم بیک تفرشی(استادیار زبان شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران)

صص: ۱۱۲-۸۳

چکیده

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی‌ست که به سه گروه مانوی، بودایی و مسیحی تقسیم می‌شود. در این پژوهش به بررسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وِسَنترَه جاتَکَه» پرداخته شده است. تاکنون پژوهشی در باب رده‌شناسی زبان سغدی بودایی صورت نگرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و تحلیل‌ها از نوع کمی و کیفی است، گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است. چارچوب تحلیل، مؤلفه‌های تحلیل آرایش سازه‌ی معرفی‌شده در دبیرمقدم (۱۳۹۲) و درایر (۱۹۹۲) است. از میان مجموع ۲۸ مؤلفه‌ی معرفی‌شده در این آثار، ۱۵مؤلفه‌ی وابسته به اسم بررسی شده‌اند. در این پژوهش، رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته[1] و نظریه‌ی جهت انشعاب درایر[2] (۱۹۹۲) و الگوی بررسی آرایش سازه‌های دبیرمقدم (۱۳۹۲) انجام گرفته است. بر مبنای نظریه‌ی جهت انشعاب (BDT) برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی. پس از بررسی ۲۹۱۲ جفت‌عنصر

1- Head-Dependent Theory
2- Brancing Direction Theory

تاریخ دریافت :۱۳۹۹/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش : ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

پست الکترونیکی: 1. Humamusavi66@gmail.com 2. zzarshenas@gmail.com
3. Atoosa.rostambeik@gmail.com

وابسته به اسم موجود در متن، مشخص شد که زبان سغدی بودایی بر اساس فرضیه‌ی جهت انشعاب، گرایش به چپ‌انشعابی بودن دارد. به طوری‌که در ۵ مؤلفه راست‌انشعابی یا هسته‌آغاز است و در ۸ مؤلفه چپ‌انشعابی یا هسته‌پایان است.

کلیدواژه‌ها: زبان سغدی بودایی، رده‌شناسی، آرایش سازه، وِسَنتَرَه جاتَکَه، جهت انشعاب.

۱. مقدمه

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است که در سغدیانه[۱]، منطقه‌ای در امتداد زرافشان و کشکه دریا (بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروز) رواج داشته است. این زبان از گروه شرقی و شاخه‌ی ایرانی خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی است. تاریخ نگارش آثار بازمانده از سغدی به سده‌ی دوم تا دهم میلادی باز می‌گردد. متون سغدی بودایی که بزرگترین مجموعه‌ی متن‌های سغدی‌اند، بیشتر از اصل چینی به سغدی ترجمه شده‌اند و دربردارنده‌ی متن‌های کامل یا تکه‌تکه‌ی بودایی‌اند. مانند سوتره‌ها[۲]، جاتکه‌ها[۳] و متن‌های پرجنا پارمیتا[٤]. مهم‌ترین آثار سغدی بودایی، دو کتاب ***وسنتره جاتکه***[٥] (قریب، ۱۳۷۱) و ***سوتره چم***[٦] ***و پادافره کردار***[٧] (مکنزی، ۱۹۷۰) هستند.

وسنتره جاتکه متنی است به زبان سغدی که به خط بودایی نوشته شده است و طولانی‌ترین متن بازمانده‌ی سغدی‌ست. این متن از یافته‌های پل پلیو[٨] دانشمند فرانسوی است که در اوایل قرن بیستم، همراه با متون دیگر سغدی بودایی از غارهای هزار بودای چین به کتابخانه‌ی ملی پاریس برده شد. قسمت دیگر این مجموعه توسط سراورل استین[٩] به موزه‌ی بریتانیا راه یافت (قریب، ۱۳۸۳: ٤٩).

1- Soghdiana
2- Sūtra
3- Jᾱtaka
4- Prajñᾱpᾱramitᾱ
5- Vessantra Jᾱtaka
6- Sūtra čam
7- Pᾱdafrah Kerdᾱr
8- Paul Pelliot
9- Sir Marc Aurel Stein

دست‌نوشته شامل ۲۹ برگ به اندازه‌های ٤٥./ × ٤٨./ است. چاپ اول این متن به صورت حرف‌نویسی لاتین همراه با ترجمه‌ی فرانسوی آن با عنوان «روایت سغدی وسنتره جاتکه»، به کوشش روبرت گوتیو[1] در مجله‌ی ***آسیایی*** سال ۱۹۱۲ چاپ شد[2]. رامیل بنونیست[3] (۱۹٤۰)، نیز دست‌نوشته‌ی سغدی این متن را همراه با نسخه‌های دیگر سغدی در مجموعه‌ی کتابخانه‌ی ملی پاریس چاپ کرده[4] و در سال ۱۹٤٦ وی این متن را به صورت حرف‌نویسی لاتین همراه با ترجمه‌ی فرانسه، واژه‌نامه و یادداشت‌ها و تفسیرهای بسیار عالمانه منتشر کرد.[5] این متن توسط دکتر بدرالزمان قریب (۱۳۷۱)، در کتاب ***داستان تولد بودا به روایت سغدی***، ترجمه و حرف‌نویسی شد. همچنین برخی نکات صرفی و دستوری آن نیز بیان شد.

در این پژوهش تلاش می‌شود که بین بررسی‌های حیطه‌ی مطالعات زبان‌های باستانی و رویکردهای تحلیلی در زبان‌شناسی پیوند ایجاد شود. یکی از رویکردهای مورد توجه در زبان‌شناسی و به ویژه در مطالعات تاریخی، رده‌شناسی[6] است که در پژوهش حاضر نیز به عنوان رویکرد تحلیل انتخاب شده است. به این منظور، متن سغدی بودایی وسنتره جاتکه از منظر رده‌شناسی آرایش سازه[7] (درایر، ۱۹۹۲ و دبیرمقدم، ۱۳۹۲) و با تمرکز بر اسم بررسی خواهد شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که ۱- مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب سازه، در بررسی رده‌شناختی متون سغدی بودایی تا چه اندازه کارآمد است ؟ و ۲- بر اساس ترتیب عناصر و آرایش سازه‌های وابسته به اسم در متون سغدی بودایی، این زبان جزو زبان‌های فعل‌میانی است یا فعل‌پایانی؟ شایان ذکر است که تقسیم‌بندی مؤلفه‌ها به مؤلفه‌های اسمی و فعلی، یک تقسیم‌بندی فرضی و مبتنی بر تصمیم نگارندگان بوده است. به دلیل حجم زیاد متن بررسی شده و نمونه‌های موجود در آن، امکان ارائه‌ی نتایج تمام مؤلفه‌ها در یک مقاله وجود نداشت . از همین روی در این پژوهش تنها به مؤلفه های وابسته به اسم پرداخته شده است.

1- R. Gauthiot

2- Gauthiot, R., Une version sogdienne du Vessantara Jataka, Journal Asiatique, (janvier-(janvier-fevrier) 1912. pp. 163-193 ; 429-510.

3- É. Benveniste

4- Codices Sogdiani, Mionumentum Linguarum Asiae Majoris III, Copenhague 1940.

5- E. Benveniste, Textes Sogdian, Edités, Traduits et Commentés, Paris, 1940. E. Benveniste, Vessantara jātaka, Texte sogdien, édité, traduit, commenté Mission Pelliot en Asie Centrale Paris 1946.

6- Typology

7- Word order

۲. پیشینه‌ی پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام شده‌ی داخلی و خارجی در دو حیطه‌ی رده‌شناسی و زبان‌های باستانی نشان می‌دهد که در این حیطه یعنی تلفیق مطالعات زبان‌های باستانی و رده‌شناسی آرایش سازه‌ها تعداد پژوهش‌ها بسیار اندک است. ابوالقاسمی (۱۳۷۵) در بخش نخست جلد دوم ***راهنمای زبان‌های باستانی ایران***، در دو فصل جداگانه به کلیات قواعد دستوری ایرانی باستان و کلیات قواعد دستوری ایرانی میانه‌ی غربی پرداخته و در ضمن آنها قواعد دستوری و صرف و نحو مربوط به اسم را بیان کرده است. وی (۱۳۷۵) همچنین فصول دوم تا پنجم کتاب ***دستورتاریخی زبان*** فارسی را به مباحث مربوط به اسم و وابسته‌های آن در زبان‌های باستانی ایران اختصاص داده است. آموزگار و تفضلی (۱۳۷۵) نیز در ضمن کتاب ***زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*** مقوله‌های مربوط به اسم، صفت، ضمایر، قید و حروف اضافه در زبان پهلوی را به روشنی شرح داده‌اند. میرفخرایی (۱۳۸۳) نیز ***درآمدی بر زبان ختنی*** را به نگارش درآورد و در گفتار سوم آن به بررسی اسم در زبان ختنی پرداخت. در خصوص دیگر زبان‌های باستانی نیز قواعد مربوط به اسم همواره در ضمن و به عنوان بخشی از کتاب‌های دستور آمده که از آن جمله می‌توان به کتاب زیر اشاره کرد. مولایی (۱۳۸٤) در بخش نخست ***راهنمای زبان فارسی باستان*** به آواشناسی، ساخت واژه، صرف اسم و صفت، ضمایر، اعداد و قید در این زبان پرداخته است. همچنین در این زمینه مقالاتی پژوهشی نیز به نگارش درآمده است. مثلاً مقدم (۱۳۸٤) مقاله‌ی «ساختمان حروف اضافه‌ی منفرد در زبان‌های پهلوی ساسانی و فارسی میانه‌ی ترفانی» را نوشته است. از دیگر پژوهش‌ها در زمینه‌ی رده‌شناسی زبان فارسی میانه می‌توان به منشی‌زاده و ناصح (۱۳۸٦) اشاره کرد که در مقاله‌ی «نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانه» به این مهم پرداخته و سعی کرده‌اند که آرایش سازه‌ها در فارسی میانه‌ی پهلوی را مشخص کرده و جایگاه این زبان را در رده‌های ممکن نحوی معین سازند. زرشناس (۱۳۸۷) ***دستنامه‌ی سغدی*** را نوشت که در گفتار دوم این کتاب به دستور زبان سغدی و بررسی و توصیف اسم و وابسته‌های آن و جایگاه آن در جمله پرداخته است. مقدم (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «حروف اضافه‌ی دوگانه، توأمان و ترکیبات اضافی، در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی» به این مقوله پرداخته است. راشدمحصل (۱۳۸۹) نیز در بخش‌هایی از کتاب ***راهنمای زبان سنسکریت*** به مبحث اسم در این زبان (از جمله اسم و صفت، ضمایر، عدد و

ترکیب‌ها) اشاره کرده است. مقدم (۱۳۹۰) همچنین درمقاله‌ی «معانی و ساخت‌های دستوری حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی» به مفاهیم و عملکردهای دستوری حروف اضافه در کتیبه‌های پهلوی ساسانی پرداخته است. از دیگر پژوهش‌ها پیرامون اسم در زبان سنسکریت کتاب باغ بیدی (۱۳۹۱) با عنوان ***مقدمات زبان سنسکریت*** است که در آن مباحث مربوط به صرف نام و صفات مطرح شده است ولی چنانکه گفته شد تا کنون کتاب مستقلی درباره‌ی اسم و جایگاه آن و آرایش سازه‌های اسمی در زبان‌های باستانی به طور مستقل نوشته نشده است. مقاله‌ای نیز در «بررسی تحول ساختار قید در فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی دری» توسط بقایی و محمدی ده چشمه (۱۳۹٤) نوشته و در آن به سیر تحول تاریخی قید از باستان تا کنون پرداخته شده است.

پژوهش‌هایی نیز در راستای ایجاد پیوند بین رویکردهای نوین زبان‌شناسی و مطالعات زبان‌های باستانی انجام شده است که می‌توان به مقدم (۱۳۹۰) اشاره کرد که به «بررسی حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی» پرداخته است و مفاهیم و عملکردهای دستوری حروف اضافه در کتیبه‌های ساسانی و گزیده‌ای از متون پهلوی کتابی و پارسی میانه‌ی ترفانی را شرح داده است. اسماعیلی و حسن‌پور (۱۳۹۲) نیز قواعد ساخت سازه‌ای فارسی باستان در کتیبه‌ی بیستون را بررسی کرده‌اند تا بتوانند جایگاه هسته را نسبت به وابسته‌هایش در گروه‌های نحوی مختلف از جمله گروه اسمی، گروه صفتی، حرف اضافه‌ای و غیره بررسی کنند. در بررسی گروه اسمی یکی از ساخت‌های مورد توجه در بررسی‌های تاریخی و تطبیقی، کسره‌ی اضافه است که موضوع پژوهش‌های گوناگون ایرانی و غیر ایرانی بوده است. از جمله پژوهش‌هایی که کسره را به لحاظ تاریخی مورد توجه قرار داده‌اند می‌توان به استاجی و جهانگیری (۱۳۸۵)، مقدم (۱۳۹۰) و رضویان، کاوسی تاجکوه و بهرامی خورشید (۱۳۹۵) اشاره کرد که البته همه‌ی موارد به تحول زبان فارسی از دوره‌ی باستان تا کنون توجه داشته‌اند.

در زمینه‌ی بررسی زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه می‌توان به هایدر[1] و زوانزیگر[2] (۱۹۸٤) اشاره کرد که به بررسی ساخت اضافه در فارسی باستان و میانه پرداخته‌اند. کوبویچ[3]

1- H. Haider
2- R. Zwanziger
3- I. Y Kubovich

(۲۰۰۵) به بررسی کارکردهای نحوی ZY سغدی و تفاوت آن با زبان آرامی پرداخته است تا رابطه‌ی تاریخی بین این دو عنصر را به طور نظام‌مند تحلیل کند. بوبنیک[۱] (۲۰۰۹) ساخت ملکی را در زبان‌های ایرانی میانه بررسی و به مقایسه‌ی آن با زبان‌های آلبانیایی پرداخته‌است.

در زمینه‌ی بررسی ترتیب سازه در زبان‌های باستانی نیز پژوهش‌های خارجی انجام شده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱٤۸) به پژوهش فردریک[۲] (۱۹۷۵) اشاره کرده است. وی در اثر خود با عنوان «نحو هند و اروپایی آغازین: ترتیب عناصر معنی‌دار» به ترتیب واژه‌ها در هند و اروپایی آغازین پرداخته است و به زبان‌های یونانی هومری، ارمنی باستان، فارسی باستان، اوستایی، ایتالیک، سلتی و اسلاوی آغازین استناد کرده است. هِیل[۳] (۱۹۸۸) ترتیب واژه را در فارسی باستان مورد کنکاش قرار داده است و به این نکته اشاره کرده است که در بسیاری از جملات پیکره‌ی متون اوستایی و ریگ‌ودا عبارات فعلی به گونه‌ای هستند که فعل در انتهای عبارت فعلی قرار می‌گیرد و فاعلی که حالت فاعلی دارد پیش از این فعل قرار می‌گیرد. بوبنیک (۱۹۸۹) ساخت کنایی گسسته[٤] را در زبان‌های هند و ایرانی بررسی کرده است. در عین حال، دبیرمقدم (۲۰۰٦) معتقد است که فارسی باستان، که زبانی تصریفی در نظر گرفته می‌شود، به نظر می‌رسد که اساساً زبانی با ترتیب واژه‌ی آزاد است. فارسی میانه نیز از این نظر مانند فارسی باستان است با این تفاوت که زبانی تحلیلی به شمار می‌رود.

از جمله پژوهش‌های خارجی درباره‌ی زبان سغدی می‌توان به این موارد اشاره کرد: هِیگ[۵] (۲۰۰۸) در فصل سوم کتاب خود با عنوان تغییر ***انطباق در زبان‌های ایرانی*** به ساختار نحوی زبان‌های ایرانی میانه از جمله سغدی و نظام حالت در این زبان‌ها اشاره کرده است. در کتابی با عنوان ***زبان‌های ایرانی*** که ویندفور[٦] (۲۰۰۹) ویراستار آن بوده است، به زبان‌های باستانی ایرانی نیز پرداخته شده است. یوشیدا[۷] (۲۰۱۳) در فصلی از این کتاب با عنوان سغدی به تاریخچه و شرح ویژگی‌های زبان سغدی پرداخته است. در بخش صرف، ساختواژه‌ی اسمی[۸] با اشاره به

1- V. Bubenik
2- P. Friedrich
3- M. Hale
4- split ergativity
5- G. L. Haig
6- G. Windfuhr
7- Y. Yoshida
8- nominal morphology

مقوله‌های تصریف اسم و نظام حالت همراه است. همچنین دو ماده‌ی سبک و سنگین اسم را معرفی کرده است. در بررسی صفات به درجات[1] صفت و به صفت فزاینده[2] اشاره کرده است. همچنین انواع ضمایر شخصی، انعکاسی و دوسویه معرفی شده‌اند. حروف تعریف، ضمایر اشاره و قیدها، ضمایر پرسشی، نسبی و ضمایر مبهم و حروف اضافه از دیگر مباحث مرتبط با اسم در این فصل است.

در حیطه‌ی رده‌شناسی و بررسی ترتیب سازه، پژوهش‌های گوناگونی بر روی زبان‌ها و گویش‌ها ایرانی انجام شده است. ثمره (۱۳۶۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی» به بررسی رده‌شناختی زبان فارسی پرداخته است. یوسفیان (۱۳۸۳)، در رساله‌ی دکتری خود، به توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی پرداخت. دبیر مقدم همچنین (۱۳۹۲) در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، به بررسی رده‌شناسی زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی مانند بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، و... پرداخته است. در فصل دوم این کتاب، به بررسی رده‌شناختی زبان‌های فارسی باستان، اوستایی و فارسی میانه اشاره شده است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۶۵–۱۳۰). رضاپور (۱۳۹٤) ترتیب واژه در سمنانی را از منظر رده‌شناسی زبان بررسی کرده است و به این منظور از مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر (۱۹۹۲) استفاده کرده است. حامدی شیروان (۱۳۹۵) نیز در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «بررسی آرایش واژگان و حالت نمایی در گویش‌های فارسی خوزستان ازمنظر رده شناسی زبان» به این مهم پرداخته است. در زمینه‌ی بررسی رده‌شناختی زبان سغدی، تنها یک اثر وجود دارد که رساله‌ی دکتری صابونچی (۱۳۹۸) است که در آن به بررسی آرایش سازه‌های چند متن به زبان سغدی مانوی پرداخته است. به این ترتیب، بررسی پیشینه حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی در زمینه‌ی رده‌شناختی متون سغدی بودایی انجام نشده است و این پژوهش نخستین بررسی در این زمینه به‌شمار می‌آید. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق در پیوند مطالعات متون کهن با رویکردهای جدید زبان‌شناسی است که می‌تواند ابعاد تازه‌ای از متون کهن را برای ما روشن کند و چنین مطالعاتی را از انزوا خارج کند. اینگونه پژوهش‌ها باعث بوجود آمدن پیوند میان رشته‌های زبان‌های باستانی و زبان‌شناسی خواهند شد. پیوندی که خلأ آن به شدت احساس می‌شود چرا که بیشتر مطالعات و تحقیقات زبان‌های

1- degree
2- elative

باستانی دربرگیرنده‌ی توصیف و ترجمه، ریشه‌شناسی و بررسی متون بازمانده‌ی کهن است اما در زمینه‌ی زبان‌شناسی و رده‌شناسی و رویکردهای آن، کمتر تلاشی در این زمینه صورت گرفته است.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی_تحلیلی‌ست و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین ترتیب که متن وِسنترَه جاتَکَه به طور کامل و با توجه به چارچوب نظری پژوهش‌های رده‌شناسی و مؤلفه‌های هسته‌محور درایر و دبیرمقدم، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در سال ١٩٤٦ متن وِسَنترَه جاتَکَه به حرف‌نویسی لاتین همراه با ترجمه‌ی فرانسه، واژه‌نامه و یادداشت‌ها و تفسیرها توسط بنونیست منتشر شد. دکتر بدرالزمان قریب نیز در سال ١٣٧١ فقط ترجمه‌ی آن را به فارسی برگرداند و در سال ١٣٨٣ کتاب ***روایتی از تولد بودا*** که شامل متن سغدی وِسَنترَه جاتَکَه به صورت حرف‌نویسی و ترجمه‌ی فارسی آن می‌شد را منتشر کرد که این دو کتاب در این پژوهش مبنای کار قرار گرفته‌اند. برای بررسی و شناخت واژگان متن، کتاب‌های ***فرهنگ سغدی*** (قریب:١٣٧٤) و ***Vesantra Jataka*** (بنونیست :١٩٤٦) و ***دستنامه‌ی سغدی*** (زرشناس: ۱۳۹۰) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌ها نیز مقاله‌ی درایر (۱۹۹۲) و کتاب ***رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*** دبیر مقدم (۱۳۹۲) مبنا قرار گرفته است. برای تحلیل آرایش واژه‌ها، از میان ٢٤ مؤلفه‌ای که دبیرمقدم در کتاب ***رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*** آورده است و همچنین ٤ مؤلفه‌ی دیگر که درایر (۱۹۹۲) در مقاله‌ی «همبستگی آرایش واژه‌های گرینبرگی»[1] ارائه داده، مؤلفه‌های وابسته به اسم بررسی شده‌اند. مؤلفه‌های مورد بررسی به این شرحند: ۱. نوع حرف اضافه (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه) ۲. توالی هسته‌ی اسمی و بند موصولی ۳. توالی مضاف و مضاف‌الیه ٤. توالی صفت و مبنای مقایسه ۵. توالی موصوف و صفت ٦. توالی صفت اشاره و اسم ۷. توالی قید مقدار و صفت ۸. توالی ادات استفهام و جمله ۹. توالی پیرونمای بند قیدی و بند ۱۰. توالی حرف تعریف و اسم ۱۱. توالی عدد و اسم ۱۲. توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی ۱۳. توالی متمم‌نما و جمله‌ی متمم ١٤. حرکت پرسشواژه ۱۵. واژه جمع‌ساز و اسم.

1- The Greenbergian Word Order Correlations

٤. مبانی نظری پژوهش

ردەشناسی شاخه‌ای علمی است که به دسته‌بندی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد. این شاخه‌ی مطالعاتی با عنوان ردەشناسی زبان و ردەشناسی زبان‌شناختی مصطلح است که به اختصار ردەشناسی گفته می‌شود. «ردەشناسی زبان را می‌توان مطالعه‌ی نظام‌مند بین زبان‌ها تعریف کرد. این تعریف این پیش‌انگاره را در خود دارد که برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها حاکم‌اند، و من نیز به چنین انگاره‌ای قائلم» (کامری[1]، ۲۰۰۱: ۲۵). زمان پیدایش این علم به ۲۵۰ سال پیش باز می‌گردد و نخستین کسی که اصطلاح typologie «ردەشناسی» را برای آن به کاربرد، گابلنتس[2] (۱۹۰۱/۱۸۹۱) دانشمند آلمانی مکتب نودستوریان بود و از سال ۱۹۲۸، این واژه در زبان‌شناسی مصطلح شد و رواج گسترده یافت. می‌توان جوزف گرینبرگ[3] را پدر ردەشناسی نوین نامید. گرینبرگ (١٩٦٦)، با ارائه‌ی یافته‌های تجربی خود پیرامون گروه بزرگی از زبان‌ها، ردەشناسی آرایش واژگان را مهمترین دغدغه‌ی پژوهش‌های زبانی دانست و مطالعات در این زمینه را آغاز کرد. او نتایج مشاهدات خود را به صورت ٤٥ همگانی بیان کرد. سپس لمان[4] (۱۹۷۳) به عنوان کاشف ایده‌ی فعل عامل سازمان‌دهنده‌ی الگوی آرایش واژگان شناخته شد. او نخستین کسی بود که میان زبان‌های فعل‌پایانی (ov) و زبان‌های فعل‌آغازی (vo)تفاوت قائل شد. با این کار با فرض فعل‌پایانی بودن یک زبان، می‌توان پیش‌بینی کرد که در این زبان عناصر اسمی صفات، اضافه و اصطلاحات موصولی در طرف چپ اسم و با فرض فعل‌آغازی بودن زبان، عناصر در طرف راست اسم قرار می‌گیرند. به پیروی از لمان، ونمان[5] (١٩٧٤) زبان‌ها را فعل‌پایانی و فعل‌آغازی دانست و بر آن بود که تمامی قواعد واژه‌آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند. وی بر اساس عبارات تلویحی گرینبرگ نظریه‌ی هسته_وابسته[6] را مطرح کرد (حامدی شیروان و همکاران، ۱۳۹۵: ٤). در واقع وی ترتیب واژه‌ی گرینبرگی را به زبان‌های هاکینز وابسته-هسته در مقابل هسته-وابسته تقسیم کرد. هاکینز[7] (۱۹۸۳) می‌کوشد بین اصول چندگانه‌ی گرینبرگ (دارای اعتبار تجربی) و اصول

1- B. Comrie
2- H. C. Gabelentz
3- Joseph Greenberg
4- W. P. Lehmann
5- T. Vennemann
6- Head-Dependent Theory
7- J. A. Hawkins

ساده‌ی لمان و ونمان (فاقد اعتبار تجربی) تعادلی ایجاد کند، به همین روی از داده‌های گرینبرگ استفاده نکرد و نمونه‌ای ۳۳۶ تایی از زبان‌ها را برای بررسی انتخاب کرد (حامدی شیروان و همکاران، ۱۳۹۵: ٤). هاکینز همچنین اصل هماهنگی بینامقوله‌ای را برای بررسی دقیق‌تر بسامد زبان‌ها مطرح نمود. اما کامری (۱۹۸۹) اصطلاح آرایش سازه‌ها را مطرح نمود و دغدغه‌ی اصلی پژوهش را در حوزه‌ی آرایش سازه‌ها دانست نه در آرایش واژگان. از آنجایی که این سازه‌ها ممکن است شامل یک یا چند واژه باشند. وی اصطلاح آرایش سازه‌ها را درست‌تر خواند. در نهایت درایر در مقاله‌ی خود بر اساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵ زبان، برخی از ادعاها درباره‌ی آرایش واژگان را پذیرفت و برخی فرضیات پذیرفته شده را نیز رد کرد (همان). درایر نظریه‌ی سوی انشعاب[1] را مطرح کرد. بر اساس این نظریه، سازه‌های هم الگو با فعل مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی یا واژگانی) و سازه‌های هم الگو با مفعول مقوله‌های گروهی (انشعابی) می‌باشند. بر این اساس زبان‌های راست‌انشعابی[2] تمایل به قرار گرفتن مقوله‌های گروهی پس از مقوله‌های غیرگروهی دارند و زبان‌های چپ‌انشعابی[3] به صورت برعکس دیده می‌شوند. درایر (۱۹۹۲) در مقاله‌ی خود وجود همبستگی بین ترتیب فعل و مفعول از یک سو و ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری از سوی دیگر را مورد بحث قرار داده است. برای اشاره به این جفت‌ها از اصطلاح جفت‌های همبستگی[4] استفاده کرده است و آنها را به شکل زیر تعریف کرده: اگر توالی یک جفت عنصر x و y به ترتیب با توالی فعل و مفعول همبستگی نشان دهد آن گاه جفت x و y جفت‌های همبستگی خوانده می‌شوند. در این جفت همبستگی x هم الگو با y و y هم الگو با x دانسته می‌شود. به عنوان نمونه از آنجایی که زبان‌های فعل‌پایانی تمایل به پس‌اضافه بودن و زبان‌های فعل‌میانی تمایل به پیش‌اضافه بودن دارند می‌توان گفت که جفت حرف اضافه و گروه اسمی یک جفت همبستگی است و بر اساس این جفت حروف اضافه هم الگو با فعل x و گروه های اسمی همراهان حروف اضافه هم الگو با مفعول y می‌باشند. شایسته‌ی ذکر است که درایر در مقاله‌ی یاد شده ۲۳ جفت همبستگی به دست داده است و برای هر مورد جفت همبستگی یک جزء جدول

1- Branching Direction Construction
2- Right Branching
3- Left Branching
4- Correlations Pair

مستقل ارائه کرده است. جدول ٤ـ۱ نشان دهنده‌ی جفت‌های همبستگی وابسته بـه اسـم اسـت که بر اساس جدول ۳۹ درایر (۱۹۹۲) تنظیم شده است.

جدول ٤ـ۱ جفت‌های همبستگی

هم‌الگو با فعل	هم‌الگو با مفعول
حرف اضافه	عبارت اسمی
متمم ساز	جمله
ادات پرسشی	جمله
پیروساز قیدی	جمله
حرف تعریف	اسم
اسم جمع ساز	اسم
اسم	مضافٌ الیه
اسم	بند موصولی
صفت	مبنای مقایسه

٤ـ۲. جدول زیر نشان دهنده‌ی جفت‌های غیرهمبستگی وابسته به اسم است که بـر اسـاس جدول ٤۰ درایر (۱۹۹۲) تنظیم شده است.

جدول ٤ـ۲ جفت‌های غیر همبستگی

وابسته	هسته
صفت	اسم
صفت اشاره	اسم
قید مقدار	صفت

۵. تحلیل داده‌ها

همانطور که پیشتر اشاره شد برای تحلیل آرایش واژه‌ها، ۱۵ مؤلفه‌ی وابسته به اسم در ایـن مقاله بررسی شده‌اند. بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسـته، سـازه‌ی هـم الگـو بـا فعـل، هسـته و سازه‌ی هم الگو با مفعول، وابسته خوانده می‌شود. پس در زبان‌های VOآرایش سازه‌ای هسته_ وابسته و در زبان‌هایOV آرایش سازه‌ای وابسته_ هسته‌ای حاکم است و نیز بر مبنای نظریه‌ی

جهت انشعاب برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی. در این بخش پس از آوردن نمونه‌هایی از هر مؤلفه، راست‌انشعابی یا چپ-انشعابی بودن زبان سغدی در آن مؤلفه ذکر شده است. یافته‌ها به این شرحند:

۱- نوع حرف اضافه (پیشایند یا پسایند) (مؤلفه‌ی ۱، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

حروف اضافه‌ی به کار رفته در متن وسنتره جاتکه عبارتند از حروف اضافه‌ی پیشایند k'w (به) ، čnn (از)، pr'w (بر)، δnn (با) ، pr (بر)، pr'ywδ (در آن، به آن) و حروف اضافه‌ی پسایند čntr (اندر)، s'r (به سوی)، pyδ'r (برای، به خاطر)، prm (در این، تا)، pr'yw (همراه)، čwpr (فراز، بالای). در مجموع در پیکره‌ی متن، ٦٩٥ حرف اضافه به کار رفته است که در این میان ٥٤٩ حرف اضافه‌ی پیشایند و ١٤٦ حرف اضافه‌ی پسایند می‌توان یافت. بدین ترتیب حروف اضافه نسبت به عبارت اسمی به شکل (Prep_N) و (N_Postp) است. اما بیشتر به سمت (Prep_N) گرایش دارد. به عبارتی از میان ٦٩٥ جفت‌عنصر مورد بررسی، ٥٤٩ جفت‌عنصر راست‌انشعابی و ١٤٦ جفت‌عنصر چپ‌انشعابی است. زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱، گرایش به سوی راست‌انشعابی دارد. نتایج در نمودار ۱ نمایش داده شده است و دو مثال از موارد مشاهده شده نیز ارائه می‌گردد.

_حرف اضافه‌ی پیشایند و عبارت اسمی (Prep_N)

1- rty šw <u>čnn</u> <u>wyspn'čw 'βyz'</u> wɤ'ršn.

و اورا از هرگونه رنج برهانم

ترجمه: و او را از هر رنجی برهانم. (سطر ۵۳۳)

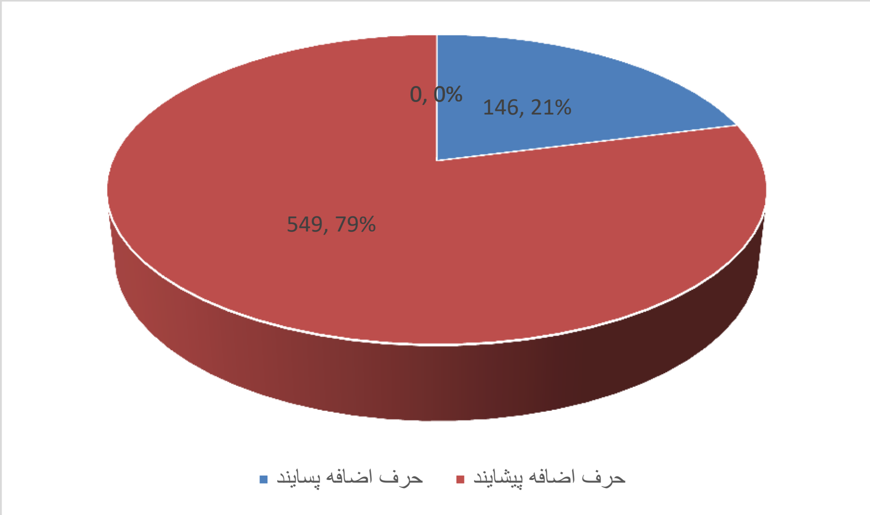
_ عبارت اسمی و حرف اضافه‌ی پسایند (N_ Postp)

2- nyδ p'rzy ɤβtyš rm[1] <u>wδyh rm z'kty</u> <u>pr'yw</u>.

بنشین زیرا رنج دیده ای با زن با فرزندان همراه

ترجمه: بنشین، زیرا(بسیار) رنج دیده‌ای، همراه با همسر و فرزندانت. (سطر ۸۴۹)

۱- در متن وسنتره جاتکه rm (با) نیز به کار رفته است که هزوارش آن M' است و δnn به معنی (با) خوانده می‌شود و فقط در متن وسنتره جاتکه به شکل rm خوانده می‌شود. در زیرنمونه‌ای از آن آورده شده است.



نمودار ۱- حرف اضافه‌ی پیشایند و پسایند

۲- توالی هسته‌ی اسمی و بند موصولی (مؤلفه‌ی ۲، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

ضمایر موصولی سغدی بر پایه‌ی دو نظام مکمل ماده‌های -k (برای جانداران) و -č (برای غیر جاندار) ساخته می‌شوند. در متن ٥٤ موصول و بند موصولی به کار رفته است که همواره یعنی در ۱۰۰ درصد موارد هسته‌ی اسمی پیش از بند موصولی آمده است. همه‌ی جفت-عنصرهای بررسی‌شده در این مؤلفه راست‌انشعابی هستند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه-ی متن، در مؤلفه‌ی ۲، راست‌انشعابی است.

_ هسته‌ی اسمی و بند موصولی (N_Rel)

3- ’wn’k r’δwh ’kw zy zkh ’ny’’wr pwt’yšt ɣrt’nt.

همان راه که که حرف تعریف دیگر بودایان پیموندند

ترجمه: همان راهی که دیگر بودایان پیموندند. (سطر ۱۰۳)

4- …ɣrβ pykš’kw n’β ’ky zy pr pt’yδ šw’ynt ’skwn.

بسیار فقیر مردم که که به گدایی می‌رفتند

ترجمه: بسیار مردم فقیر که به گدایی می‌رفتند. (سطر 18[a])

۳- توالی مضاف و مضافٌالیه (مؤلفه‌ی ۳، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در زبان سغدی چنین است که مضافٌ الیه می‌تواند اسم یا ضمیر باشد. اگر مضافٌالیه اسمِ دارای ماده‌ی سبک یا ضمیر باشد در حالت وابستگی- برایی می‌آید و اسم‌هایی که ماده‌ی

سنگین دارند در حالت غیرفاعلی می‌آیند. در متن وسـنتره جاتکـه، ۱۱۲ مضـاف و مضـاف‌الیـه وجود دارد و مضاف‌الیه همواره پیش از اسم قرار گرفته است. زبان سـغدی بـودایی بـر پایـه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۳، چپ‌انشعابی است.

_ مضاف‌الیه و مضاف (Gen-N)

5- rty mn' ZKwyh γw'r'nt 'pkšy' tys.
و من حرف تعریف راست پهلو جای‌گرفت

ترجمه: و در پهلوی راست من جای گرفت. (سطر ۸)

6- rty ZKw <u>pyδyh</u> <u>ZKw šnth</u> n'y's.
و آن b فیل حرف تعریف خرطوم گرفت

ترجمه: و خرطوم آن فیل را گرفت. (سطر۳۵)

٤- توالی صفت و مبنای مقایسه (مؤلفه‌ی ٤، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در پیکره‌ی متن، تنها یک مورد کاربرد صفت و مبنای مقایسه دیـده شـد کـه در آن، مبنـای مقایسه پیش از صفت قرار گرفته است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفـه‌ی ٤، چپ‌انشعابی است.

_ مبنای مقایسه و صفت (St-Adj)

7- pryh prytmh
عزیزان عزیزترین

ترجمه: عزیزترین [از] عزیزان. (سطر ۳۰۰)

۵- توالی موصوف و صفت (مؤلفه‌ی ۹، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسنتره جاتکه، صفت هم پیش از موصوف و هم پس از آن می‌آید. و از نظر صرفی با موصوف خود مطابقت می‌کند اما به طور کلی در زبان سغدی مطابقت آنها الزامی نیسـت. در این متن، ۳٤۸ موصوف و صفت به کار رفته است که در ۳۱٤ مورد صـفت پـیش از موصـوف (هسته‌پایان) و در ۳٤ مورد پس از موصوف (هسته‌آغاز) آمده است. بنابراین صفت که سـازه‌ی هم الگو با مفعول است بیشتر گرایش دارد که پیش از اسم که هم الگو با فعل است بیاید.

بنابراین صفت که سازه‌ی هم الگو با مفعول است بیشتر گرایش دارد که پیش از اسم که هم الگو با فعل است بیاید.

_صفت و اسم (Adj_N)

8- nw’y nγ’wδn

نو جامه

ترجمه: جامه‌ی نو(سطر ۱۳)

_ اسم و صفت (N_Adj)

9- z’tk przr prnγwntk

پسر بس فرخنده

ترجمه: پسری بس فرخنده(سطر ۳۸)

۶- توالی صفت اشاره و اسم (مؤلفه‌ی ۱۰، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در زبان سغدی صفات اشاره بسته به نقشی که در جمله می‌گیرند صرف می‌شوند و بر پایه‌ی ماده‌های -y (صورت تحول یافته ی ayam*) یا -m (صورت تحول یافته‌ی ima*) به معنای «این»، یا بر پایه‌ی ماده‌های -x (صورت تحول یافته ی hau*) یا -w (صورت تحول یافته‌ی ava*) به معنای «آن» قرار دارند. ضمیر اشاره‌ی šw’ به معنای «این، آن مذکر» و š’ به معنای «این، آن مؤنث» نیز وجود دارد. همچنین در سغدی ضمایر اشاره‌ی مرکب نیز وجود دارند که در پیکره‌ی متن نیز یافت شدند. در متن وسنتره جاتکه ۱۱۳صفت اشاره به کار رفته است که همواره پیش از اسم آمده‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۰، هسته‌پایان است.

_ صفت اشاره و اسم (Dem_N)

10- zkw sγwnw

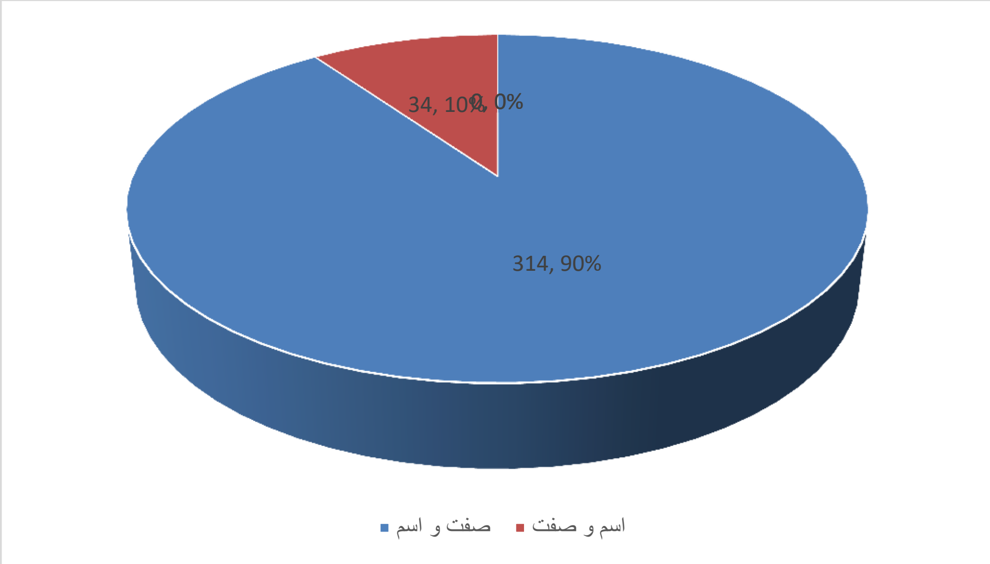
آن سخن

ترجمه: آن سخن (سطر ۱۰)

11- wyšnw snptsrt

آنها پیشگویان

ترجمه: آن پیشگویان (سطر 12[a]



نمودار ۲- توالی موصوف و صفت

۷- توالی قید مقدار و صفت (مؤلفه‌ی ۱۱، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

قیدها در زبان سغدی صرف نمی‌شوند. در متن وسنتره جاتکه ، ۱۳ بار قید مقدار به کاررفته است که در تمامی موارد قید مقدار همواره پیش از صفت آمده است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۱، هسته‌پایان است.

_ قید مقدار و صفت (Adv _Adj)

12- čnsty š’wd
بسیار سیاه

ترجمه: بسیار سیاه(سطر ٤٠)

13- šyr ks’y
بسیار لاغر

ترجمه: بسیار لاغر(سطر ۱۲٦٤)

۸- توالی ادات استفهام و جمله (مؤلفه‌ی ۱۳، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن *وسنتره جاتکه* ۸۰ بار ادات استفهام از ماده‌های -č و -k و نیز ادات استفهام kt’r (آیا) و kt’m (کدام) به کار رفته‌اند. در ٥٦ مورد ادات استفهام در ابتدای جمله آمده است. اما

مواردی نیز هست (۲٤ مورد) که ادات استفهام وسط یا پایان چمله‌ی پرسشی واقع شده است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۳، گرایش به چپ‌انشعابی بودن دارد.

_ ادات استفهام و جمله

14- čwty　ɣwβnw wytw δ’r’y?
چه　خوابی　دیده ای

ترجمه: چه خوابی دیده‌ای؟ (سطر ٤)

_ جمله و ادات استفهام (وسط یا پایان جمله)

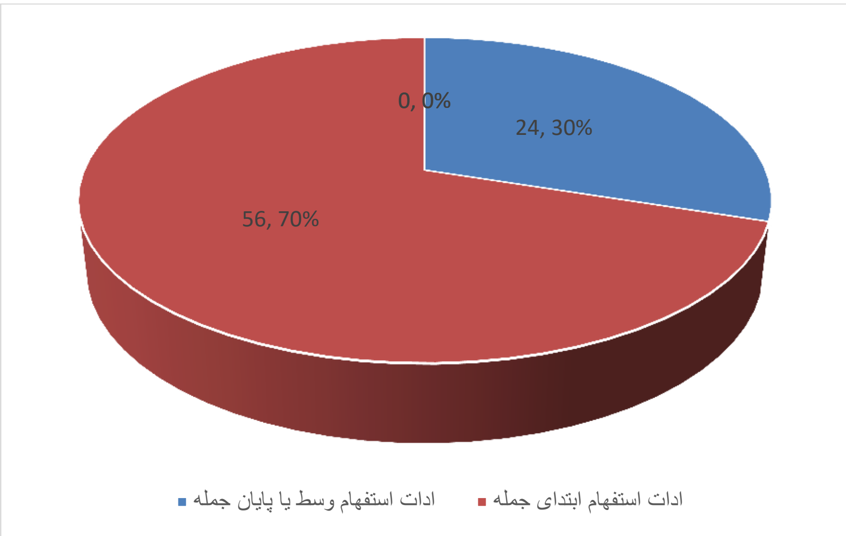
15- zkh t’yw’’kt zy βɣ’ k’w ’krt’nt?
شده اند چه سرور ای فرزندان حرف تعریف

ترجمه: فرزندان من چه شده اند ای سرور؟ (سطر ۱۰۷۱)

- پرسشی کردن با تغییر لحن یا بدون ادات استفهام

16- swδ’šn tw’.
تو　سوداشن

ترجمه: سوذاشن این تویی؟ (سطر ۲۱۷)



نمودار ۳- توالی ادات استفهام و جمله

۹- توالی پیرونمای بند قیدی / حرف ربط قیدی و بند (مؤلفه‌ی ١٤، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسنتره جاتکه، در مجموع ۲۰٦ حرف ربط قیدی به کار رفته است که همواره در ابتدای بند آمده است. در این بندها، گاه ضمایر موصولی- پرسشی به عنوان حرف ربط به کار می‌روند. در پیکره‌ی متن حروف ربطی č’n’kw (هنگامی‌که) ۱۰٤ بار، pr’w ’PZY (زیرا که) ۳۲ بار، pyδ’r ’PZY (بخاطر اینکه) ۲ بار، kw’ (جایی‌که،) ۱۳ بار،’wδ…’kw (آنجا که) ۲ بار، WR (آنجا که) ۱ بار، nyš (حال که) ۱ بار، kδ (اگرکه) ۲۳ بار، ’y k’ (وقتی که) ۲ بار، KZNH yw’r ’PZY (به شرطی که) ۱ بار، p’rzy KZNH (برای اینکه) ۱ بار، ’PZY (که) ۱۲ بار،wyt’wr , wyt’wr ’PZY (تا، تا اینکه) ۲ بار، ky (که) ۱ بار، ZY (که) ۱٦ بار به کار رفته‌اند. زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱٤، راست‌انشعابی است.

_ پیرونمای قیدی/ ربطی و بند (Sub_S)

17- rtyšn ’škr’n ’wδ ’kw <u>zy ’ɣw pyδ’n ɣwt’w ’skwty</u>.

است شاه پیلان حرف تعریف که جایی آنجا می‌برم آنان را پس

ترجمه: پس من ایشان را به آنجا که شاه پیلان است می‌برم. (سطر ۱۹٤)

18- ’wn’k r’δwh ’kw zy zkh ’ny’’wr pwt’yšt ɣrt’nt.

پیمودند بودایان دیگر حرف تعریف که راه همان

ترجمه: همان راهی که دیگر بودایان پیمودند. (سطر ۱۰۳)

۱۰- توالی حرف تعریف و اسم (مؤلفه‌ی ۱۵، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در سغدی صورت‌هایی از ضمایر اشاره به عنوان حرف تعریف کاربرد دارند و دارای جنس و شمارند و در حالت‌های گوناگونی مانند نهادی، رایی و ... صرف می‌شوند. ضمیر اشاره‌ی xw که دارای نقش سوم شخص مفرد است، به عنوان حرف تعریف کاربرد دارد که صورت‌هایی از آن در پیکره‌ی متن به عنوان حرف تعریف یافت شد. که شامل ۱۰۱۲ می‌شود و همواره پیش از اسم آمده است. زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در این مؤلفه، راست-انشعابی است.

_ حرف تعریف و اسم (Artcl_ N)

19- zkh pr’’mnt

برهمنان حرف تعریف

ترجمه: برهمنان (سطر ۲۱)

20- ’ɣw wyspyδr’k
شاهزاده حرف تعریف

ترجمه: شاهزاده (سطر 5a)

۱۱- توالی عدد و اسم (مؤلفه‌ی ۱۷، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن *وسنتره جاتکه*، ۱۱۵ عدد و معدود به کار رفته است. اعداد همواره پیش از اسم قرار گرفته‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۷، چپ‌انشعابی است.

_ عدد و اسم (Num_ N)

21- ’yw δɣwth
دختر یک

ترجمه: یک دختر (سطر 15a)

22- čtβ’r kyr’n
کران چهار

ترجمه: چهار کران (سطر ۱۶)

کران چهار

۱۲- توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی (مؤلفه‌ی ۱۹، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در سغدی، تکواژ آزاد ملکی، پی‌بست ضمیری است. در پیکره‌ی متن در مجموع ۷۰ تکواژ آزاد ملکی به کار رفته است که عبارتند از mn’ (ضمیر منفصل: از آنِ من، من، مرا) ، my(ضمیر متصل: از آنِ من، من، مرا)، šy (ضمیر متصل: از آنِ او، او، به او) ، šn (از آنِ **ایشان**) ، βn (از آنِ شما، شما، به شما، شما را) که همواره پیش از اسم آمده‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۹، چپ‌انشعابی است.

_ تکواژ آزاد ملکی و اسم(Poss-N)

23- rty šy ’ɣw kršn ’ywywnčyδ ’’y č’n’kw zy ’wyn ɣwyr βɣy.
خدای خورشید حرف تعریف که چنان بود همانند سیما حرف تعریف _ش و

ترجمه: و سیمایش همانند خدای خورشید بود. (سطر ۳۹)

24- rty šn pr čwpr ’βtrtn’ynčh sy’’kh prδ’ɣtčh ɣ’y. b

بود گسترده سایه بان هفت گوهر بالای سر بر -شان و

ترجمه: و بالای سرشان سایه‌بان هفت گوهر گسترده بود. (سطر۱۸)

۱۳- توالی متمم‌نما و جمله‌ی متمم (مؤلفه‌ی ۲۱، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن *وِسَنتَرَه جاتَکَه*، ۱۳ (نشانه‌ی بند متمم) به کار رفته و همواره در ابتدای جمله متمم آمده و راست‌انشعابی است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۲۱، راست-انشعابی است. این متمم‌نماها عبارتند از: kw (که) ۱ بار، ’PZY (که) ۱۲ بار پس از فعل‌های گفتن، شنیدن، دانستن، به نظر آمدن، فکر کردن، پاسخ دادن، خواستن و دیدن آمده‌اند.

_ نشانه‌ی بند متمم و جمله‌ی متمم (Com-S)

25- p’rzy ’ky ɣrβy kt’rw ’pzy ’zw t’β’kh wyn’m k’m kt’r zy l’?

نه و یا خواهم دید تو را من که آیا می داند چه کسی زیرا

ترجمه: زیرا چه کسی می‌داند که آیا من تو را خواهم دید یا نه؟ (سطر ۳۰۳)

26- rty w’n’kw γrβ’m ’PZY ’γw mn’ δr’w prw δwry z’yh pr’’γt .

رسیده دوردست به آوازه ِمن حرف تعریف که فکر می‌کنم چنین و

ترجمه: من فکر می‌کنم که آوازه‌ی من به دوردست رسیده است. (سطر ١٤٤)

١٤- حرکت پرسشواژه (مؤلفه‌ی ۲۲، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در این مؤلفه به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا پرسشواژه در جای اصلی[1] خود باقی می‌ماند یا الزاماً به آغاز جمله حرکت می‌کند. در متن وِسَنتَرَه جاتَکَه ۸۰ بار ادات استفهام از ماده‌های -č و -k و نیز ادات استفهام kt’r (آیا) و kt’m (کدام) به‌کاررفته‌اند که به آغاز جمله آمده‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۲۲، چپ‌انشعابی است.

-حرکت پرسشواژه (Wh-word)

42- čwty ɣwβnw wytw δ’r’y?

1-Wh-in-situ

دیده‌ای   خوابی   چه

ترجمه: چه خوابی دیده‌ای؟ (سطر ٤)

43-čwty ʾkrty pry ztʾ?

پسر عزیز شده است   چه

ترجمه: چه شده است ای پسر عزیز؟ (سطر 24[a])

۱۵- واژه جمع‌ساز و اسم (مؤلفه‌ی ۲۷، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

گاهی برای نشان دادن شمار جمع در برخی زبان‌ها از واژه‌ی جمع‌ساز استفاده می‌شود یعنی به جای یک وند جمع‌ساز از یک واژه‌ی جمع ساز استفاده می‌شود. برای این مؤلفه در متن وسنتره جاتکه مثالی یافت نشد.

٦. نتیجه‌گیری

متن «وِسَنترَه جاتَکَه» یا داستان تولد بودا، روایتی‌ست سغدی از داستان تولد سوداشن و شرح تلاش‌ها و بخشندگی‌های وی برای رسیدن به مقام بودا که منجر به تبعید وی به کوه دَندَرک از سوی پدرش شاه شیوی شد. وِسَنترَه جاتَکَه به زبان سغدی بودایی نوشته شده است و از آنجایی‌که طولانی‌ترین متن بازمانده‌ی سغدی‌ست و نسبت به دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و نیز از آنجا که به نظر می‌رسد بیشتر تألیفی بومی و یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال اینکه ترجمه باشد کمتر است، برای پژوهش رده‌شناسی زبان سغدی بودایی انتخاب شد. در این پژوهش، رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته (HDT) و نظریه‌ی جهت انشعاب (BDT) درایر (۱۹۹۲) و الگوی بررسی آرایش سازه‌های دبیرمقدم (۱۳۹۲) انجام گرفته است. بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته (HDT)، سازه‌ی هم الگو با فعل، هسته و سازه‌ی هم الگو با مفعول، وابسته خوانده می‌شود. پس در زبان‌های vo آرایش سازه‌ای هسته_ وابسته و در زبان‌های ov آرایش سازه‌ای وابسته_ هسته‌ای حاکم است و نیز بر مبنای نظریه‌ی جهت انشعاب (EDT) برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) با اشاره به مشخصه‌های رده‌شناختی زبان‌های باستانی ایران مانند فارسی باستان، اوستایی و فارسی میانه به تحلیل آرایش سازه‌های آنان و همچنین زبان فارسی نو می-

پردازد. زبان فارسی باستان در ۲ مشخصه فعل‌پایانی قوی، در ۵ مشخصه فعل‌میانی قوی و در ٤ مشخصه هم مشترک است. بنابراین فارسی باستان از لحاظ رده‌شناختی زبانی یکدست و یکپارچه نیست، ولی بیشتر به فعل‌میانی بودن گرایش دارد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۳٤). زبان اوستایی خود دارای دو گونه‌ی متقدم و متأخر است. اوستایی متقدم دارای ترتیب فاعل–مفعول–فعل است ولی در پی تغییر رده‌شناختی اوستایی متأخر به سوی زبان‌های دارای ترتیب فاعل–فعل–مفعول گرایش پیدا می‌کند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۵۱). زبان فارسی میانه در ۲ مشخصه فعل‌پایانی قوی، در ۳ مشخصه فعل‌میانی قوی و در ۵ مشخصه مشترک است. بنابراین همچون فارسی باستان و فارسی نو زبانی یکدست از لحاظ مشخصه‌های رده‌شناختی نیست (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۳٤). زبان فارسی به لحاظ مؤلفه‌های رده‌شناختی به فعل‌میانی بودن گرایش دارد یعنی زبانهای دارای ترتیب فاعل–فعل–مفعول (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۳٤).

با توجه به نتایج پژوهش و تحلیل متن وِسَنترَه جاتَکَه، می‌توان گفت که زبان سغدی بودایی بر اساس بررسی مؤلفه‌های وابسته به اسم، در ۵ مؤلفه راست‌انشعابی یا هسته‌آغاز است و در ۸ مؤلفه چپ‌انشعابی یا هسته‌پایان است. همچنین برای ۱ مؤلفه در متن مصداقی یافت نشد. اساس آرایش جمله در زبان سغدی، به صورت فاعل–مفعول–فعل است.

همچنین زبان سغدی بودایی در مقایسه با زبان‌های اروپا–آسیا، گرایش به سوی زبان‌های فعل‌میانی قوی و در مقایسه با زبان‌های جهان، گرایش به سوی زبان‌های فعل‌پایانی قوی و فعل‌میانی قوی دارد.

یکی از اهداف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی رده‌شناختی آرایش سازه‌ای زبان سغدی بودایی و سغدی مسیحی است. آثار سغدی به سه گروه مانوی، بودایی و مسیحی تقسیم می‌شود چرا که رواج آیین‌های بودایی، مسیحی و مانوی در میان سغدی‌زبانان ترکستان شرقی باعث ترجمه‌ی متون مذهبی از چینی، سنسکریت، سریانی و فارسی میانه به سغدی شد. صابونچی (۱۳۹۸) به بررسی رده‌شناختی آرایش سازه‌های متون سغدی مسیحی پرداخت. صابونچی (۱۳۹۸) پس از بررسی متون سغدی مسیحی دریافت که زبان سغدی مانوی از منظر جهت انشعاب، با اختلافی اندک به سوی چپ انشعابی بودن، گرایش دارد. در پژوهش وی ۲۷۷۷ جفت‌عنصر بررسی شد که از آن میان، ۱۳٥۲ جفت‌عنصر چپ‌انشعابی یا هسته‌پایان‌اند و ۱٤۸۰ جفت‌عنصر راست-انشعابی و هسته‌آغاز هستند (صابونچی۲۵۰، ۱۳۹۸). پس از بررسی متن وِسَنترَه جاتَکَه

مشخص شد که بر اساس متن، زبان سغدی بودایی با اختلاف بیشتری نسبت به سغدی مانوی، گرایش به چپ‌انشعابی بودن دارد. به طوری‌که از میان ٥٦٥٤ جفت‌عنصر بررسی‌شـده (مؤلفـه-های وابسته به اسم و مؤلفه‌های وابسته به فعل)، در۳۸۸۸ جفت‌عنصر چپ‌انشـعابی یـا هسـته-پایان است و در ١٧٦٦ جفت‌عنصر راست‌انشعابی یا هسته‌آغاز است.

فهرست نشانه‌ها

نشانه‌های واج‌نگاری

حرف‌نوشت		واج‌ها
ʾ	a	َ
(ʾ)	ā	آ
β	b β,	ب
C	č	چ
δ	δ	ذ
Y	ē	ِ
β,P	f	ف
γ	γ	غ
Y	ī	ای
K,q	k	ک
m	m	م
n	n	ن
w	ō	ُ
P	p	پ
r	r	ر
s	s	س
š	š	ش
t	t	ت
δ	θ	ت
w	ū	او
w	w	و
x	x	خ

ی	y	y
ز	z	z
ژ،ج	ž	z,

فهرست نشانه‌های اختصاری

توضیح		نشانه
حرف اضافه	Adposition	Adp
صفت	Adjective	Adj
قید	Adverb	Adv
حرف تعریف	Article	Artcl
متمم‌نما	Complementizer	Com
نظریه‌ی سوی انشعاب	Branching Direction Theory	BDT
صفت اشاره	Demonstrative Adjective	Dem
مضاف‌الیه	Genetive	Gen
نظریه‌ی هسته و وابسته	Head-dependent Theory	HDT
اسم	Noun	N
عدد	Number	Num
مفعول	Object	O
مفعول-فعل (=فعل‌آغازی)	Object Verb	OV
مفعول-فعل-فاعل	Object Verb Subject	OVS
مفعول-فاعل-فعل	Object Subject Verb	OSV
تکواژ آزاد ملکی	Possessive Free	Poss
پیشایند	Preposition	Prep
پسایند	Postposition	Postp
بند موصولی	Relative Clause	Rel
جمله	Sentence	S
فاعل-مفعول-فعل	Subject Object Verb	SOV
مبنای مقایسه	Standard of Comparison	St
فاعل-فعل-مفعول	Subject Verb Object	SVO
فاعل	Subject	Sub
پیرونمای قیدی	Adverbal Subordination	Sub

VO	Verb Object	فعل-مفعول (=فعل‌پایانی)
VOS	Verb Object Subject	فعل-مفعول-فاعل
VSO	Verb Subject Object	فعل-فاعل-مفعول

منابع

۱- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۷۵). *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*. تهران: معین.

۲- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۹۲). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.

۳- ـــــــــــــ (۱۳۷۵). *راهنمای زبانهای باستانی ایران (جلد دوم)*. تهران: سمت.

٤- اسماعیلی، محمدمهدی و حسن‌پور، فاطمه. (۱۳۹۲). قواعد ساخت سازه‌ای فارسی باستان در کتیبه‌ی بیستون. *زبان و زبان‌شناسی*، *۹* (۱۷)، ۹۳-۱۰۹.

۵- استاجی، اعظم و جانگیری، نادر. (۱۳۸۵). منشأ کسره اضافه در زبان فارسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، ٤۷، ۸۲-٦۹.

٦- الهی، مستانه. (۱۳۸۹). کاربرد پسوندها در زبان سغدی و سنجش آن با زبان یغنابی. *پیام باستان*، *۷* (۱۳)، ۱۱٦-۱۰۷.

۷- بقایی، شیرین و محمدی ده چشمه، حمزه. (۱۳۹٤). بررسی تحول ساختاری قید در فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی دری. *فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، شماره ۱۲، *۱۱۵-۱۳۰*.

۸- ثمره، یدالله. (۱۳٦۹). تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی. *مجله زبانشناسی*، *۷* (۱)، ۸۰-٦۱.

۹- جلالیان چالشتری، محمد حسن. (۱۳۹٤). -rēž-و nam- دو فعل غیر شخصی در زبان سغدی. *زبان‌شناخت*، ٦ (۱)، ٦٤-٤۹.

۱۰-ـــــــــــــــــــ (۱۳۹۵). فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی. *جستارهای زبانی*، شماره ۳۱، ٦۸-۵۵.

۱۱-حامدی شیروان، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی آرایش واژگان و حالت نمایی در گویش‌های فارسی خوزستان ازمنظر رده شناسی زبان. رسالهٔ دکتری. گروه زبانشناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۲-حامدی شیروان، زهرا، شریفی، شهلا و الیاسی، محمود. (۱۳۹۵). آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی. *فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، ٤ (۱۱)، ۳۲-۱.

۱۳-خبازی، لیلی. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر متقابل زبان سغدی و ترکی بر یکدیگر در یک سند ترکی-سغدی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۵۲ (۲۱۱)، ۸۰-٦۳.

١٤-دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان*. تهران: امیر کبیر.

۱۵-راشدمحصل، محمد تقی. (۱۳۸۹). *راهنمای زبان سنسکریت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

١٦-رضاپور، ابراهیم. (١٣٩٤). ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان. *جستارهای زبانی*، ٦ (٥)، ١٩٠-١٦٩.

۱۷-رضائی باغ بیدی، حسن. (۱۳۹۱). *مقدمات زبان سنسکریت*. تهران: مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی.

۱۸-رضویان، حسین، کاوسی تاجکوه، صدیقه و بهرامی خورشید، سحر. (۱۳۹۵). ساخت اضافه در زبان فارسی از منظر دستور ساخت گلدبرگ. *پژوهش‌های زبانی*، ۷ (۲). ۵۷-۳۹.

۱۹-زرشناس، زهره. (۱۳۹۰). *دستنامه‌ی سغدی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۰-صابونچی، علی. (۱۳۹۸). *آرایش سازه‌ها در چند متن منثور سغدی مانوی*. رساله دکتری. رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۱-قادری، تیمور. (۱۳۷۵). جملات ناهم‌پایه در زبان سغدی. *فرهنگ*، شماره ۱۷، ۳۱٦-۳۱۱.

۲۲-قریب، بدرالزمان. (١٣٧٤). *فرهنگ سغدی*. تهران: فرهنگیان.

۲۳-____________ (۱۳۸۳). *روایتی از تولد بودا (متن سغدی وسنتره جاتکه)*. تهران: اسطوره.

۲٤-مقدم، آژیده. (۱۳۸۸). حروف اضافه‌ی دوگانه، توأمان و ترکیبات اضافی، در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۵ (۹)، ٦٨-٤٩.

۲۵-_________ (۱۳۸٤). ساختمان حروف اضافه‌ی منفرد در زبان‌های پهلوی ساسانی و فارسی میانه‌ی ترفانی. *ویژه‌نامهٔ نامه‌ی فرهنگستان*. شماره ۱، ٦٦-۹٦.

۲۶-__________ (۱۳۹۰). معانی و ساخت‌های دستوری حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی. *پژوهش‌های زبانی*، شماره ۱، ۱۲۹-۱۵۶.

۲۷-منشی زاده، مجتبی و ناصح، محمدامین. (۱۳۸٦). نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانه. *نثرپژوهی ادب فارسی*، شماره ۲۲، ۲۵۷-۲۳۵.

۲۸-مولایی، چنگیز. (۱۳۸٤). *راهنمای زبان فارسی باستان*. تهران: مهرنامگ.

۲۹-میرفخرایی، مهشید. (۱۳۸۳). *درآمدی بر زبان ختنی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳۰-هدایت، ندا. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های توالی واژه و هم‌بستگی آنها با توالی مفعول/ فعل در گویش تاتی گیفان، براساس دیدگاه رده‌شناختی درایر. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۱ (۲)، ۱۹٦-۱۷۷.

۳۱-یوسفیان، پاکزاد. (۱۳۸۳). *توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی*. رساله دکتری. گروه زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه اصفهان.

32- Benveniste, Émile (1946). *Vesantra jātak* , *Text Sogdien* , Édité, Traduit et Commenté.

33- Benveniste, Émile (1952). La construction passive du parfait transitif. *Bulletin de la Société de linguistique de Paris*, 48, 52–62.

34- Brunner, C. J. (1977). *A syntax of western Middle Iranian* (No. 3). Caravan Books. Delmar, New York.

35- Bubenik, V. (1989). An interpretation of split ergativity in Indo-Iranian languages. *Diachronica*, *6* (2), 181-212.

36- Bubenik, V. (2009). The rise and development of the possessive construction in Middle Iranian with parallels in Albanian. In *Grammatical change in Indo-European languages* (pp.89-101). Amsterdam: John Benjamins.

37- Cardona, G. (1970). The Indo-Iranian construction mana (mama) krtam. *Language*, *46* (1), 1-12.

38- Dabir-Moghaddam, M. (2006). Internal and external forces in typology: Evidence from Iranian languages. *Journal of Universal Language*, *7*(1), 29-47.

39- Dryer, M. S. (1992). The Greenbergian Word Order Correlations. *Language*, 68 (1), 81-138.

40- Dryer, M. S. (1997). On The Six-Way Word Order Typology. *Studies in Language*, 21, 69-103.

41- Elahi, M. (2010). Brief Survey Of Grammatical Feature In Khawrazmian Language And Compared With Soghdian Language. *PAYAM-E BASTANSHENAS*, *7*(13), 117-134.

42- Friedrich, P. (1975). Proto-Indo-European syntax: The order of meaningful elements. *Journal of Indo-European studies,* (No. 1).

43- Geiger, W. (1893). Die Passivconstruction des Präteritums transitiver Verba im Iranischen. In Ernst KUHN (ed.), *Festgruß an Rudolf Roth* (pp. 1–5). Stuttgart: Kohlhammer.
44- Greenberg, J. H. (1974). *Language Typology: A Historical and Analytic Overview*. The Hague, Paris: Mouton.
45- Haider, H., & Zwanziger, R. (1984). Relatively attributive: The" ezafe"-construction from Old Iranian to Modern Persian. *Historical syntax*, *23*, 137.
46- Haig, G. L. (2008). *Alignment change in Iranian languages: A construction grammar approach*, *37*. Walter de Gruyter.
47- Hajiani, F. (2019). An etymological exploration and dissection of Sogdian loanwords in Modern Persian. *International Journal of Language Studies*, *13(*3).
48- Hale, M. (1988). Old Persian word order. *Indo-Iranian Journal*, *31*(1), 27-40.
49- Heston, W. L. (1977). *Selected Problems in Fifth To Tenth-Century Iranian Syntax*. Unpublished doctoral dissertation. University of Pennsylvania.
50- Jügel, T. (2012). *Die Entwicklung der Ergativkonstruktion im Alt-und Mitteliranischen− Eine korpusbasierte Untersuchung zu Kasus, Kongruenz und Satzbau [The Development of the Ergative Construction in Old and Middle Iranian: A Corpus-Based Approach* (Doctoral dissertation). Goethe University Frankfurt.
51- Kent, R. G. (1950). *Old persian: Grammar. Texts. Lexicon*. American Oriental Society.
52- Kubovich, I. Y. (2005). The Syntactic Evolution Or Aramaic Zy In Sogdian. *Studia Iranica*, 34, 199-230.
53- Noda, K. (1983). Ergativity in Middle Persian. *GENGO KENKYU (Journal of the Linguistic Society of Japan)*, *1983*(84), 105-125.
54- Payne, J. R. (1979). Transitivity and intransitivity in the Iranian languages of the USSR. In *The Elements: A parasession on linguistic Units and Levels Including Papers from the Conference on Non-Slavic Languages of the USSR* , (pp. 20-21).
55- Windfuhr, G. (Ed.). (2009). *The Iranian Languages*. Psychology Press.
56- Yoshida, Y. (2013). Sogdian. In *the Iranian languages* (pp. 355-411). Routledge.

Typology of the word order of the Buddhist Sogdian text "Vesantra Jātaka"(The story of The Buddha's birth) based on Nominal categories

Raziyeh Moosavikho
PhD student in Ancient Culture and Languages, Tehran Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zohre Zarshenas (Corresponding Author)[1]
Professor of Ancient Culture and Languages, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

Atoosa Rostambeik Tafreshi
Assistant Professor of General Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

Received: 20/06/2020 Accepted:20/09/2021

Abstract

Sogdian Language is one of the middle eastern Iranian Languages which is divided into three parts: Manaichean, Buddhist and Christian. This paper surveys The Typology of the word order of the Buddhist Sogdian text "Vesantra Jātaka". There has not been research done on the Typology of the word order of this language. This paper surveys The Typology of the word order of the Buddhist Sogdian text "Vesantra Jātaka" through a descriptive-analytical study. Data have been collected through library method and purposive sampling. Present article discusses on The word order of this text, among 24 categories discussed in Dabir Moghadam (2012), and 4 categories which Dryer presented (1992). Among 28 introduced components, 15 Nominal components have been studied. Based on the Branching direction theory (BDT), for different languages, two situation can be imagined: Right branching, Left branching. Based on the Branching direction theory, It was found that Sogdian Language tends to be left-branching. Sogdian language is Left-branching in the 8 Components and is Right-branching in 5 Components.

Keywords: Buddhist Sogdian language Typology Constituents Order Vesantra Jātaka Branching direction

1- zzarshenas@gmail.com